

زمستان ۱۳۹۲ و
بهار ۱۳۹۳ سال
چهارم، شماره های
۲ و ۱

پزشکی و هنر

Journal Of Medicine and Art (JOMA)

کاریکاتورهای پزشکی مجله گل آقا
آنوره دومیه و کاریکاتور های پزشکی
خودنگاره های هلن شرفبک
مجسمه های آناتومیک مرمرین
چه کسی اولین سلفی دنیا را گرفت؟ یک پزشک؟

به همراه ویژه نامه شعر : دکتر رئیس جلالی



فصلنامه پزشکی و هنر

فصلنامه ی پزشکی و هنر، اولین نشریه ی تخصصی و دو زبانه فارسی و انگلیسی در حوزه ی علوم بین رشته ای: **پزشکی و هنر** در ایران می باشد. این نشریه با هدف اطلاع رسانی و انتشار مقالات مرتبط در تمام زمینه های بین رشته ای پزشکی و هنر تلاش دارد تا زمینه ی مشارکت بین علاقمندان در این حوزه را فراهم نماید. زمینه های انتشار مقاله شامل معرفی پزشکان هنرمند در بخش های هنرهای تجسمی، ادبیات، موسیقی و دیگر رشته های هنری؛ تجسم و نمود موضوعات مرتبط با پزشکی در هنرهای تجسمی و ادبیات، معرفی کتاب های مرتبط در زمینه ی مشترک پزشکی و هنر، ارائه آثار خلق شده توسط پزشکان و دیگر کارکنان بخش سلامت، مرور مقالات منتخب در زمینه های مشترک پزشکی و هنر می باشد.

سردبیر: دکتر حسام الدین نوروزی
مدیر اجرایی: فرانک بهزادی
دستیار سردبیر: مریم معافیان
مدیر فنی: دکتر سعید نعمتی
زیر نظر: هیئت تحریریه

نقل مطالب این فصلنامه تنها با اطلاع سردبیر و ذکر ماخذ مجاز است
آدرس دفتر مجله: شیراز، میدان نمازی، ساختمان مرکزی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، طبقه سوم، مریم معافیان
پست الکترونیک: hesamnorozi@gmail.com

Editor-in-chief

Hesameddin NOROOZI, MD

Executive manager

Faranak BEHZADI

Assistant editor

Maryam MOAFIAN

Managing editor

Saeid NEMATI, DD

Under supervision of editorial board

All rights reserved for Journal Of Medicine and Art. Re-Publish or use of any part of this journal remains under editor-in-chief written permission and citation of papers.

©JOMA.sums.ac.ir

Postal address:

Maryam Moafian, 3rd floor, Shiraz University of Medical Sciences central building, Nemazi square, SHIRAZ, IRAN

E-mail: hesamnorozi@gmail.com

Quarterly **Journal Of Medicine and Art (JOMA)**, is the first specialized bilingual journal in interdisciplinary medicine with art field in Iran. This journal with broadcasting and publishing papers in all aspects of medicine and art relation vision, try to prepare a common base for all. The fields that covers in this journal, includes presenting physicians who work in art area includes visual art, literature, music and other art categories; presence of medical topics in visual art and literature; review books in medicine and art common areas, publish the masterpiece and poems of medical and health professionals; review selected published papers in interdisciplinary area.

فهرست مطالب

پزشکی در هنر

کاریکاتورهای پزشکی مجله ی گل آقا
کاریکاتورهای پزشکی آنوره دومیه
مجسمه های آناتومیک مرمرین

پژشکان هنرمند

دکتر افشین خداشناس

پزشکی و کاریکاتور

آنجل بولیگان

مقالات برگزیده

خودنگاره های هلن شرفبک

A piece of mind

پله پله تا ملاقات خدا

ویژه نامه شعر : دکتر رئیس جلالی

Medicine in art
Pulitzer prize winner of 2014

Medicine and Art

Who take the first selfie: a physician?

کاریکاتورهای پزشکی

در هفته‌نامه‌ی گل آقا

دکتر حسام نوروزی



آن پس از این نشریه به‌طور مرتب پنجشنبه‌ی هر هفته تا ۵۶۴ شماره با مضمون سیاسی، اجتماعی و انتقادی در قالب طنز و کاریکاتور به چاپ رسید. این هفته‌نامه در ۱۶ صفحه و به‌صورت «رنگی- سیاه و سفید» عرضه می‌شد و گروه‌ی از طنزنویسان و کاریکاتوریست‌های پیش‌کسوت با آن همکاری می‌کردند. انتشار این نشریه فرصتی برای تربیت نسل جدیدی از طنزپردازان به‌وجود آورد. سردبیری هفته‌نامه تا سال ۱۳۷۴ به عهده‌ی مرتضی فرجیان، طنزپرداز پیش‌کسوت و دوست قدیمی صابری، قرار داشت.

انتشار اولین شماره‌ی هفته‌نامه‌ی گل آقا با کاریکاتور دو وزیر روی جلد آن، اتفاق بسیار مهمی در فضای سیاسی ایران بود.

ضمن این‌که هفته‌نامه‌ی گل آقا حضوری جدی و تأثیرگذار در وقایع سیاسی- اجتماعی کشور داشت. مهم‌ترین خصوصیت طنز هفته‌نامه‌ی گل آقا که باعث شد تا او به محبوبیت در جامعه دست پیدا کند، رعایت ادب و عفت کلام در طنز بود و همین مساله به او و قلمش شخصیت علمی و ادبی بخشید. علاوه بر این، به‌خاطر صحیح‌نویسی و رعایت اصول نگارش، مورد تأیید

کیومرث صابری فومنی معروف به «گل آقا» در ۷ شهریور ۱۳۲۰ در صومعه سرا به دنیا آمد. از دانشگاه تهران فوق‌لیسانس ادبیات گرفت و به معلمی مشغول شد. او همزمان در مجله‌ی «توفیق» فعالیت می‌کرد و معاونت سردبیری این مجله را برعهده داشت که با توقیف شدن توفیق، فعالیت وی نیز در آن نشریه به پایان رسید. پس از انقلاب به عنوان مشاور فرهنگی نخست‌وزیر محمدعلی رجایی به کار مشغول شد.

از روز ۲۳ دی سال ۱۳۶۳ شروع به نوشتن یادداشت‌های روزانه‌ی طنز با نام مستعار «گل آقا» و تحت عنوان «دو کلمه حرف حساب» با محتوای انتقاد از دستگاه‌های دولتی و مشکلات موجود جامعه در روزنامه‌ی اطلاعات کرد که نقطه‌ی عطفی در طنز مطبوعاتی پس از انقلاب در ایران بود. پس از گذشت شش سال از نوشتن یادداشت‌های دو کلمه حرف حساب، صابری تصمیم گرفت اولین هفته‌نامه‌ی طنز پس از انقلاب را منتشر سازد.

لازم به یادآوری است که تمام عکس ها از مجموعه شخصی نویسنده ی مقاله تهیه شده است. برای دیدن کاریکاتورهای دیگری از طرح های روی جلد هفته نامه گل آقا می توانید به این تاریخ ها در وب سایت مجله مراجعه کنید: یکم آبان ۱۳۶۹، ۱۳ آذر ۱۳۶۹، ۱۴ اسفند ۱۳۶۹ و ۱۱ تیر ۱۳۷۰



تصویر ۱: هفته نامه ی گل آقا، ۲۵ تیر ۱۳۷۱

بسیاری از چهره ها ی فرهنگی- هنری کشور قرار گرفت و لوح تقدیر فرهنگستان زبان و ادب فارسی را دریافت کرد. صابری فومری در خصوص استراتژی مورد نظر در انتشار مطالب طنز این مجله عقیده داشت که «انتقادی» نوشتن هر چند ممکن است به حساب جرات و جسارت گذاشته شود، اما «هنر» نیست. «طنز» در درجه ی اول هنر است و نشریه ی گل آقا در درجه ی اول طنز است و سپس چیز دیگر. فعالیت های گل آقا منحصر به هفته نامه باقی نماند. ماهنامه ی گل آقا، سالنامه ی گل آقا، هفته نامه ی «بچه ها... گل آقا»، انتشارات گل آقا برای انتشار کتب طنز و کاریکاتور، و سرانجام خانه ی طنز ایران برای پرورش طنزنویسان جوان، از دیگر فعالیت های کیومرث صابری بود.

کیومرث صابری در آبان ماه ۱۳۸۱، همزمان با سالگرد آغاز سیزدهمین سال انتشار گل آقا، انتشار آن را متوقف کرد. گرچه این اقدام بازتاب گسترده ای داشت اما او تا هنگام مرگش هیچ گاه از دلایلش برای این اقدام سخن نگفت. صابری پس از ابتلا به سرطان خون، در صبح ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۸۳ دار فاری را وداع گفت.

در مجلات زیرمجموعه ی گل آقا کاریکاتورهای فراوانی به چاپ می رسید که بنا به فضای کار، در آن ها از عناصر مرتبط با طبابت نیز استفاده می شد. این کاریکاتورها را نه تنها در صفحات داخلی مجله که روی جلد و پشت مجله نیز می توان دید. به دلیل رویکرد انتقادی و اجتماعی «گل آقا»، درصد زیادی از این کاریکاتورها به وزیران محترم و شخصیت های سیاسی آن زمان از جمله مرحوم حسن حبیبی اختصاص دارد. در این یادداشت تنها به مروری کوتاه بر این کاریکاتورها پرداخته می شود. اما همان گونه که نشریات معتبری در دنیا همچون «نویورکر» اقدام به انتشار جداگانه و دسته بندی شده ی کاریکاتورهای محبوب خود کرده اند (کتاب کاریکاتوری با عنوان کاریکاتورهای پزشکی نیز از این نشریه چاپ شده است) امید است بتوان با همکاری موسسه ی گل آقا، کتابی درباره ی کاریکاتورهای مرتبط با پزشکی چاپ شده در تمام نشریات زیرمجموعه ی گل آقا منتشر کرد.



تصویر ۲: هفته نامه ی گل آقا پنجم دی ۱۳۷۰



تصویر ۵: هفته نامه ی گل آقا: ۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۲



تصویر ۳: هفته نامه ی گل آقا: ۲۶ دی ۱۳۷۰



تصویر ۶: هفته نامه ی گل آقا: ۲۵ شهریور ۱۳۷۲



تصویر ۴: هفته نامه ی گل آقا: پنجم دی ۱۳۷۰



تصویر ۹: هفته نامه ی گل آقا: ۱۷ آبان ۱۳۷۵



تصویر ۷: هفته نامه ی گل آقا: ۱۶ دی ۱۳۷۲



تصویر ۱۰: هفته نامه ی گل آقا ۶ اسفند ۱۳۷۱



تصویر ۸: هفته نامه ی گل آقا: ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۲



تصویر ۱۱ هفته نامه ی گل آقا ۲۴ اردیبهشت ۱۳۷۷



کاریکاتورهای پزشکی انوره دومیه

دکتر حسام الدین نوروزی^۱ - فرانک بهزادی^۲

اونوره ویکتورین دومیه^۳ کاریکاتوریست، نقاش و مجسمه ساز فرانسوی از برجسته ترین هنرمندان قرن نوزدهم فرانسه در ۲۶ فوریه ۱۸۰۸ در بندر مarse فرانسه دنیا آمد. انوره از کودکی به کار هنری علاقه داشت؛ به همین دلیل پدرش وی را ابتدا به نزد هوسیر^۴ برای آموزش نقاشی برد(۱). پس از مدتی

دومیه وارد مدرسه هنری سوسیه^۵ شد. در این زمان او برای یک ناشر به نام بلیارد^۶ کار می کرد که باعث شد اولین جرقه های علاقه وی به لیتوگرافی آشکار شود. در زمان سلطنت شاه لوئیس فیلیپ^۷ که مجله کاریکاتور^۸ توسط شارل فیلیپون^۹ شروع به انتشار کرد، دومیه نیز به این مجله پیوست. در سال ۱۸۳۲ و بخاطر کشیدن کاریکاتوری از پادشاه با نام گارگانچوا^{۱۰} به مدت شش ماه زندانی شد. پس از توقف انتشار مجله کاریکاتور همکاری دومیه با فیلیپون در مجله شاریواری^{۱۱} ادامه یافت. در این مجله دومیه کاریکاتورهای اجتماعی خود را طراحی میکرد.

Académie Suisse^{۱۲}
Belliard^{۱۳}
Louis Philippe^{۱۴}
La Caricature^{۱۵}
Charles Philipon^{۱۶}
Gargantua^{۱۷}
Le Charivari^{۱۸}

^۱ پزشک عمومی و MPH، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، ادرس تماس:
Hesam_noroozi@yahoo.com

^۲ کاردرمان - دانشگاه علوم پزشکی شیراز

^۳ Honoré Victorin Daumier

^۴ huissier

دومیه تصویری از پزشکان بر اساس داستانهای مولیر و با همان شخصیت پردازی ها ترسیم شده است. (شکل چهار). (۲ و ۳)

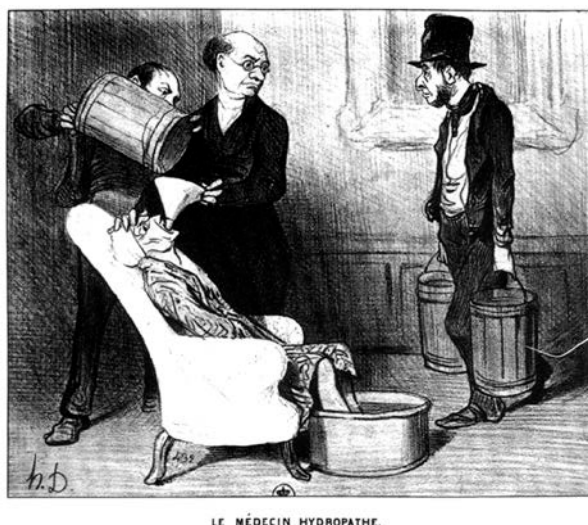


Figure 12 اشاره ی طنزآمیزی به روش آب-درماری سنی و بدون استفاده از سرنگ مخصوص که برای هر بیماری مرتبط و غی مرتبط به کار برده می شد.



Figure 13: بهار منتظر برای تشخیص و شروع آب درماری

از دومیه مجسمه های زیادی نیز از گل پخته نشده باقی مانده است که بعد ها برای از بین نرفتن، آنها را از برنز ساختند. از دومیه نقاشی های زیادی نیز با مضامین اجتماعی باقی مانده است. کار های وی در موزه های بزرگ دنیا همچون لوور و متروپولیتن نگهداری میشود (۱). شارل بودلر نویسنده ی سرشناس فرانسوی، آنوره دومیه را یکی از مهمترین انسان ها نه فقط در عرصه کاریکاتور بلکه فراتر از آن و تاثیرگذار در روند شکل گیری هنر مدرن می داند. هم اکنون در تمامی منبع هنری بررسی سیر تحول هنر مدرن، آنوره دومیه و نقاشی و طراحی های او جایگاه غیرقابل انکاری دارند.

از آنوره دومیه، بیش از ۱۰۰ کاریکاتور به مسائل پزشکی اختصاص یافته است. در کاریکاتور های دومیه تصاویر متعددی از نحوه ارتباط بین پزشک و بیمار تا معاینه بیماران، اقدامات تشخیصی، اقدامات درمانی، اقدامات پارامدیسین همچون هیپنوتیزم (شکل شماره هفت)، اقدامات درمانی در حیطه های مختلف پزشکی و زیر شاخه های تخصصی تر آن همچون جراحی، چشم پزشکی، داخلی، دستیاران پزشکی و دندانپزشکان به تصویر کشیده شده است. بر اساس این تصاویر می توان نکات جالبی را در خصوص مسایل صنفی پزشکی در قرن نوزدهم مشاهده کرد. در وهله اول می توان تا حدودی و با کمرنگ کردن رنگ اغراقی که لاجرم برای ایجاد طنز در تصاویر بکار رفته است تا حدودی به وضعیت و جوحاکم بر محیط پزشکی و حوزه بهداشت و درمان در آن زمان پی برد و در مرحله دوم نیز به درمان های رایج، جدید و بالاحص درمانهای پرسرو صدا که سوژه خوبی برای کارتون های ترسیم شده بوده اند را در این کاریکاتورها دید. اما مهمترین نکته این تصاویر ایده گرفتن از تصاویر ترسیم شده بمنظور کشف نکاتی تازه در تصاویر ترسیمی بمنظور آینده نگری در روابط بین پزشک و بیمار (شکل شماره دو) است. در کارتون های ترسیم شده توسط آنوره دومیه می توان اشاراتی به تشخیص های اشتباه (شکل شماره هشت) توسط پزشکان را نیز دید. در تعدادی از کار های آنوره



Figure 14: کاریکاتوری از دندانپزشکان که دندان های مصنوعی را به بیمار خود تحویل داده و در مورد تاثیرات شگفت انگیز آن توضیح می دهد (۴)

Figure 16: فاصله عاطفی موجود بین پزشکان و بیماران

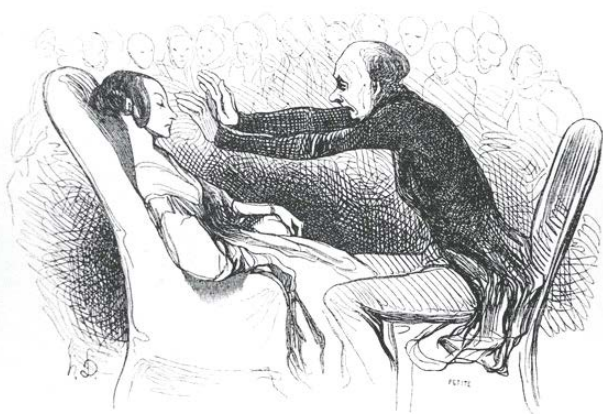


Figure 17: هیپنوتیزم درمانی که در بین پزشکان به صورتی فراگی انجام می شد. (۶)



Figure 15: اشاره ی طنزآمیزی به آب درمانی بر بالین بیماران و بدون توجه به تشخیص بیماری ایشان که تقریباً برای همه ی آنها انجام می شد (به راحتی می توان این طنز ظریف را به زمان انتقال داد و سرنگ آب درمانی را به سرم و آمپول های مختلفی که به بیماران بدون توجه به اندیک



منابع:

Figure 18: متن زیر تصویر: آقای دکتر ، من مطمئنم اینقدری که شما می گوئید بیمار نیستم(۶)

- 1- Honore Daumier (1808-1879), painter, caricaturist, sculptor. Minerva Med. 1961 Nov;52:Varia 1983-5.
- 2- Daumier, Honore, 1808-1879--Let's see...open the mouth. 1864. J Hosp Dent Pract. 1968 Jan;11(1):16.
- 3- Handelsman A. Le médecin hydropathe. Color lithograph by Honoré Daumier. J Hist Med Allied Sci. 1981 Jan;36(1):62-3.
- 4- Moskow BS. The dental cartoons of Honoré Daumier (1808-1879). J Am Dent Assoc. 1981 Jan;102(1):82-6.
- 5- Lorusso L. Neurological caricatures since the 15th century. J Hist Neurosci. 2008;17(3):314-34. doi: 10.1080/09647040802132023.
- 6- Images from history of medicine: <http://ihm.nlm.nih.gov/luna/servlet/view/all/who/Daumier,+Honore%CC%81,+1808-1879>.
- 7- Jean Adhemar Doctors and medicine in the works of Daumier, Tabard Press, Nov 1, 1989

آدمک های آناتومیک مرمرین □□

دکتر حسام نوروزی

یکی از موضوعاتی که در تاریخ پزشکی کمتر به آن پرداخته شده است، مدل های آناتومیک کوچک از بدن انسان است. از این گونه مدلها در ایران نمونه ای ذکر نشده است و در موزه ی تاریخ پزشکی شیراز و تهران نیز نمونه ای در دسترس نیست. این مدلهای آناتومیک، با دست ساخته و پرداخت می شدند و به ندرت بیش از کف دست یک انسان بودند. با اینحال وقتی که بخش رویه ی این مجسمه ها برداشته شود می توان بخش های آناتومیک زیرین آنرا که بسیار ظریف ساخته شده اند را دید. بخش زیادی از این مجسمه ها بازوهایی قابل حرکت دارند و بسیاری از آنها مجسمه های زن هستند. بسیاری از این مجسمه ها دارای یک مجسمه کوچک نوزاد نیز هستند که با بند ناف باریکی به مجسمه مادر متصل اند. امروزه بیش از صد نمونه از اینگونه مجسمه ها در موزه های اروپا و آمریکا وجود دارد. پرسش مهمی که درباره ی چنین مجسمه هایی به ذهن متبادر میشود، کارکرد این گونه آدمک هاست.

بر اساس مطالعات و شواهد موجود، بیشتر این مجسمه ها در آلمان ساخته شده و به پزشکان مرد تعلق داشته اند. اولین آدمک توسط مجسمه سازی به نام استفان زیگ □□ در شهر نورمبرگ ساخته شده است. این مجسمه ساز، مجسمه های مینیاتوری نیز از چشم و گوش ساخته است. برخی از این مجسمه ها از پزشکی به پزشک دیگر منتقل می شده اند. تا سال ۱۹۳۰ نمونه های زیادتری از این مجسمه ها در دسترس بود و به فروش می رسید اما در زمان جنگ جهانی دوم، بسیاری از این مجسمه ها و مجموعه های همراه آن، از بین رفتند.

Ivory Anatomical Models

Stephan Zick (1639–1715)

یادداشت های کمی نیز درباره ی نحوه ی استفاده از این مجسمه ها در دسترس است. در سال ۲۰۰۷ نمونه ای از این آدمک ها که به پزشک و متخصص زنان و زایمان فرانسوی، فرانسوا موریسو تعلق داشت، در حراج خانه کریستی به فروش رسید. پیشتر به نظر می رسید که این مجسمه ها برای آموزش و توضیح نحوه ی زایمان به مادران باردار توسط پزشکان بوده است ولی با توجه به برخی مدارک جدید، چنین فرضیه ای نامحتمل به نظر می رسد. فرضیه ی دوم که بر اساس متون قدیمی به دست آمده از پزشکان ایتالیایی است، به استفاده از این مجسمه ها در زمانی که دانشجویان پزشکی می خواهند وارد بخش های مرتبط با بیماری زنان شوند و یا پزشکی که در مورد بیماری های زنان زایمان بیشتر کار می کرده اند، شده است.

چنین آدمک های کوچکی بیشتر کاریکاتوری از واقعیت آناتومی بدن هستند و در جای خود کوچکتر از آن هستند که بتوانند اطلاعات مهمی را منتقل کنند. این مجسمه ها همچنین برای پزشکان آموزش دیده ای تهیه می شدند که همه جور وسیله ی پزشکی را برای مجموعه ی شخصی خود خریداری می کردند. امروزه نمی توان سازنده ی چنین آدمک هایی را شناسایی کرد و فقط بر اساس برخی خصوصیات ظاهری مانند جعبه ی همراه و یا پرداخت به جزئیات قابل تقسیم بندی اند.

در تصویر شماره ی یک، نمونه ای از این آدمک های آناتومیک از جنس سنگ مرمر را می بینید. این مجسمه در مجموعه ی تامسون در گالری هنر انتاریو موجود است. آدمک مرمرین در این مجموعه، حدوداً پانزده سانتی متر طول دارد و بر روی تخته با مخمل قرمز قرار داده شده است. شانه های این آدمک متحرکند اما فرم دست ها یکسان نیست. بخش قدامی شکم برای دید بهتر داشتن به جزئیات، برداشته شده است. هرچند بخش قدامی روده ها در جای خود قرار دارد و جنین زیرین را نمیتوان دید. در این مجسمه بخش هایی از درون قفسه سینه،

Francois Mauriceau (1637–1709)



تصویر یک: آدمک مرمی در گالری هنر انتاریو - عکس از نگارنده

منابع:

- 1- R Olry -Wax, wooden, ivory, cardboard, bronze, fabric, plaster, rubber and plastic anatomical models: Praiseworthy precursors of plastinated specimens Journal of the international society for plastination, 2000 - journal.plastination.org
- 2- KF Russell - Ivory anatomical manikins Medical history, 1972 - Cambridge Univ Press
- 3- <http://www.ago.net/>

عروق بزرگ و ریه ها را می توان دید. هرچند به نظر می رسد که بخش هایی از این آدمک ناقص است. به عنوان مثال نمی توان قلب را در محل خود دید.

در پایان به نظر می رسد که این گونه از مجسمه ها تنها به بخش های جغرافیایی خاصی در اروپا تعلق داشته اند و همچون نقاشی هایی که به بررسی و تشریح آناتومیک می پرداخته اند و در طول زمان در بسیاری از مناطق دنیا قابل پیگیری بوده اند، چندان عمومیت نداشته اند. وجود این مجسمه ها تنها تکمیل کننده ی تاریخ پزشکی است و همچون مجسمه ی زن شیشه ای که توسط دکتر فرانک نتر تهیه شده بود با ورود تکنولوژی های دیجیتال جدید تنها به موزه ها و مجموعه ها تعلق دارند.

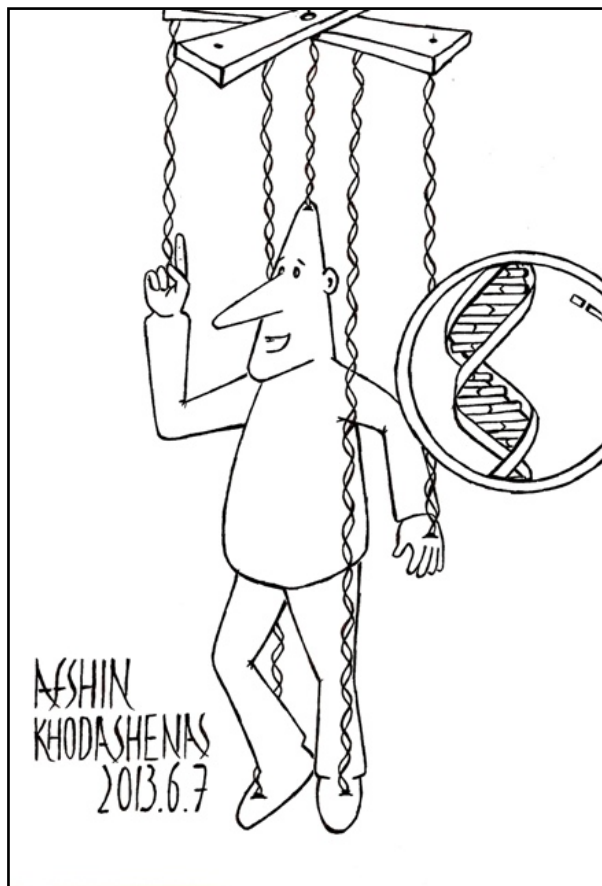
پزشکان هنرمند: دکتر افشین خدانشناس



افزا در مورد آزمون ها، ساز و کارها و موارد موثر بر تقویت هوش).

وی همچنین به نگارش خاطرات پزشکی خود زیرعنوان "خاطرات طبیبانه ی من" و مجموعه عکس - متن هایی با عنوان "ترانه عکس های خیابانی" و ... اقدام نموده است. وی به مدت دو سال سردبیر فصلنامه ی نظام پزشکی رشت بود و سایت "پازل های انسانی" را منتشر می ساخت اما در یکساله ی اخیر با دوری جستن از نوشتن با این ایده که دیگر کمتر کسی پیدا می شود که برای خواندن و تغییر دادن خود وقت بگذارد به دل بستگی همیشگی اش "کاریکاتور" رو آورده است که به گفته ی خودش فارغ از زبان و زمان و مکان است. هم اکنون بخشی از مقالات و طرح های او در سایت www.jangalbeauty.ir قابل دسترسی است. با هم نمونه ای از کارتون های اخیرش که در حال شکل گیری یک شخصیت ثابت است نگاه می کنیم

دکتر افشین خدانشناس در سال ۱۳۴۸ خورشیدی در شهر رشت به دنیا آمد و در سال ۱۳۶۶ وارد دانشکده ی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران در تهران شد. وی همیشه در کنار تحصیلات پزشکی به هنر و ادب علاقه ای وافر داشت و در سال های اخیر همکاری مداومی با و نشریه ی پزشکان گیل و سردبیرش دکتر مسعود جوزی داشته و دارد. گرایش او به انسان شناسی و روان شناسی تا به اکنون به نگارش بیش از سی مقاله در این زمینه ها انجامیده که از جمله می توان به این موارد اشاره کرد: برای زنده ماندن بکش (در مورد بازی های رایانه ای)، من سالار (در مورد روان شناسی اختلال شخصیت خود شیفته)، نابغه های ابله (در مورد دانشمندان در خودمانده یا اوتیستیک)، وانسان و بازی های هزار توی زندگی (مقایسه ی تطبیقی فیلم های "ترومن شو" و "بازی" با زندگی انسانی)، کارد اختلال، پنیر روان (مروری بر آمار بیماری های روانی در جامعه)، هوش انسانی (ترازوی هوش پیمای، دژ هوش ربا و نسخه ی هوش



کارتون و پزشکی: آنجل بولیگان

آبرنگ و مرکب هایی که برای ایجاد سایه تنها به بخش هایی از کار اضافه شده اند مشخص میشود. او برنده جوایز متعددی در زمینه



نجل بولیگان کوریو متولد ۱۹۶۵ در هاوانا پایتخت کوبا است. او تا سال ۱۹۹۲ در مکزیکوسیتی زندگی کرد. به عنوان ادیتور ریال کارتون نیست برای مجلات و روزنامه های مختلفی کار کرده است. طرح های او غالباً دارای موضوعات انسانی و اجتماعی است. انسان هایی که در کارهای او به نمایش در می آیند بدنی بزرگ و سری کوچک دارند اما این سر کوچکتر نه بخاطر هوش کمتر که بخاطر زاویه دید از پایین به آنهاست. کارتونهای وی با هاشورهای بلند و مایل و

کارتون و کاریکاتور در جشنواره های جهانی شده است. در کاریکاتور بالا نیاز به توضیح نیست که رعایت نکردن اخلاق حرفه ای دستمایه ی طنز تندى شده است که جامعه پزشکان را هدف گرفته است

~ Angel Boligan

خودنگاره های هلن شرفبک



ترجمه و تلخیص : دکتر حسام نوروزی

هلن شرفبک (۱۸۶۲ - ۱۹۴۵) نقاش فنلاندی بیشتر بخاطر کارهای رئالیستی و خودنگاره هایش شناخته میشود. در سن هجده سالگی با یک بورس تحصیلی به پاریس رفت و برای ده سال بعدی به طور عمده در اروپا ماند و ضمن کپی برداری از آثار هنرمندان بزرگ در موزه لوور به تحصیل نزد اساتید هنر پرداخت. او مانند رامبراند و ونگوگ تعداد زیادی خودنگاره را در طول زندگی و بخصوص در سال های پایانی زندگی اش ترسیم کرد.

خودنگاره های شرفبک را می توان به سه دوره تقسیم بندی نمود. در مرحله اول و پیش از سن پنجاه سالگی تصاویرش واقع

گرایانه و معمول هستند. دومین دوره نقاشی هایش از سن پنجاه سالگی تا سنین پیری است. در این دوره نقاشی هایش دارای سبک خاصی شدند که مخصوص به خودش بودند. در مرحله سوم کاری اش که مشخصاً در دو سال پایانی زندگی اش بود بیشتر بر روی خودنگاره هایش متمرکز شد. او بر خلاف رامبراند، ونگوگ، ادوارد مونش یا فریدا کالو فقط بر روی سر و بالا تنه خود تمرکز داشت. او مانند رامبراند خودش را در حالت و یا لباس خاصی به تصویر نکشید و به ندرت خود را در چهره یک هنرمند به تصویر درآورد. یکی از شناخته شده ترین خودنگاره هایش " خودنگاره با پس زمینه سیاه " است که در مرحله دوم زندگیش ترسیم شده است. در این نقاشی تصویر روشن چهره هنرمند در پس زمینه ای مشکی به نمایش درآمده است. در این نقاشی چشمان آرام هنرمند در تقابل با لکه های قرمز مضطرب گونه هایش قرار دارد. در کل در این تصویر علامتی از غرور به نمایش درآمده است. شرفبک این حس را با استفاده از رنگ در تعریف بخش های خاصی از چهره اش ایجاد کرده است: صورتی

^{□□} ترجمه و تلخیص از JAMAPsychiatry

Helene Schjerfbeck

در اطراف چشم ها، قهوه ای در موها و گل سینه ی خاکستری- سبز. این تصویر یک نقاش صاحب سبک است. سبک او در دوره آخر زندگیش تغییر کرد که تا سن هشتاد سالگی اش تکمیل گردید. در آخرین خودنگاره هایش چهره مسن اش را بطرز غم انگیزی جوانتر نشان داد. هرچند این جوانتر شدن نشانی از زیبایی به همراه ندارد و نزدیک شدن مرگ را به نمایش می گذارد.

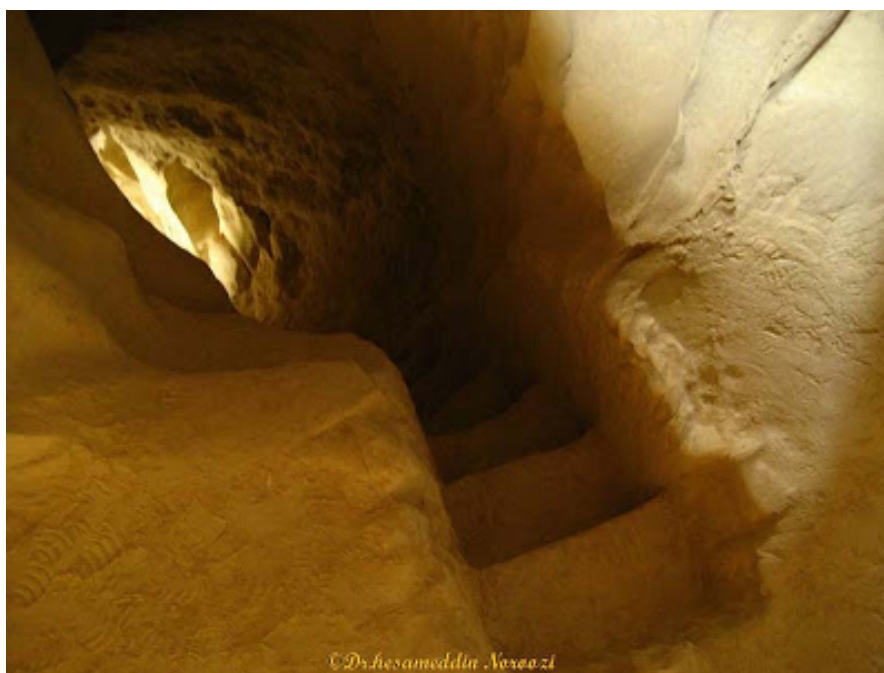
در خودنگاره ی " با نقطه قرمز " خودش را به شکل یک شب و با حالتی یخ زده و بی روح به تصویر کشیده است. بافت نقاشی شده ی سر او در این تصویر با قهوه ای پس زمینه اش در هم آمیخته است. سمت راست صورتش در سایه قرار گرفته و حسی از حل شدن در فضای مجاورش را القا می کند. چشم سمت چپش که کمی بزرگتر از حد معمول ترسیم شده به القای این باور دامن میزند. دهانش در این نقاشی به شکل حفره ای ترسیم شده که گویی دیگر خالی از هرگونه لذت و خواهش بوده و تنها یک لکه صورتی در محل لب پایین قرار داده شده است. در کل احساس یک روح مرده و حسی مرگبار را می توان از این نقاشی استشمام نمود. شرفیک می گوید: نقاشی چهره من نمودی از مرگ خواهد داشت. هنرمند درونم بیانی از مرگ را به نمایش گذاشته و من هم نمی توانم به او کمک کنم. من به دنبال روشی برای بیان خودم می گردم، روشی قوی تر و فسرده کننده تر از این."



A piece of mind

پله پله تا ملاقات خدا

حسام نوروزی



تصویر ۱۹: غارهای خربس در استان هرمزگان

را با نگاه خریدار می بینم! برای من پله ها یک مجموعه کنار هم قرار گرفته ی شکل های بسیار ساده ی هندسی مکعب مستطیل مینیمال هستند که می توانند چشم را آرام آرام دنبال خودشان بکشند.

اما چیز مهمتر آن نکته ای هست که با دیدن ریتم پله ها می توانم تصور کنم. پله ها می توانند ما را گام به گام به طرف یه هدف ببرند. این هدف می تواند با بالا رفتن از پله ها به صورت نمادی از رفتن به سمت روشنایی، نور، آسمان، رهایی، ارتقا، پیشرفت باشد (تصویر دو) و یا برعکس با حرکت به سمت پایین، گونه ای حرکت به سمت تاریکی، زوال، ناپدید شدن، رمز و راز، سیاهی (تصویر سه).

برای همین از پله ها خوشم می آید. رفتارشان پیوسته و مداوم است. می توانند شما را برای رفتن به سمت آسمان و دیدن نور و روز و روشنایی تشویق کنند و یا شما را وسوسه کنند به سمت

ز سوژهایی که دوست دارم عکس شان را در مجموعه هایی بگیرم، پله ها هستند. پله ها از جمله مواردی هستند که هروقت می بینمشان، اول نگاه می کنم که آیا به درد عکس گرفتن می خورند یا نه. البته منظورم عکس گرفتن حرفه ای نیست و فقط عکس گرفتن با گوشی موبایل و دوربین های compact که دم دست همه هست، از من هم بر می آید.

در ظاهر فیزیکی پله ها، "ریتم" از مهمترین بخش ها هست که چشمم را به دنبال خودش می کشد انگار از اولین تا آخرین پله

عنوان پست برگرفته از کتاب دکتر عبدالحسین زرین کوب

است.

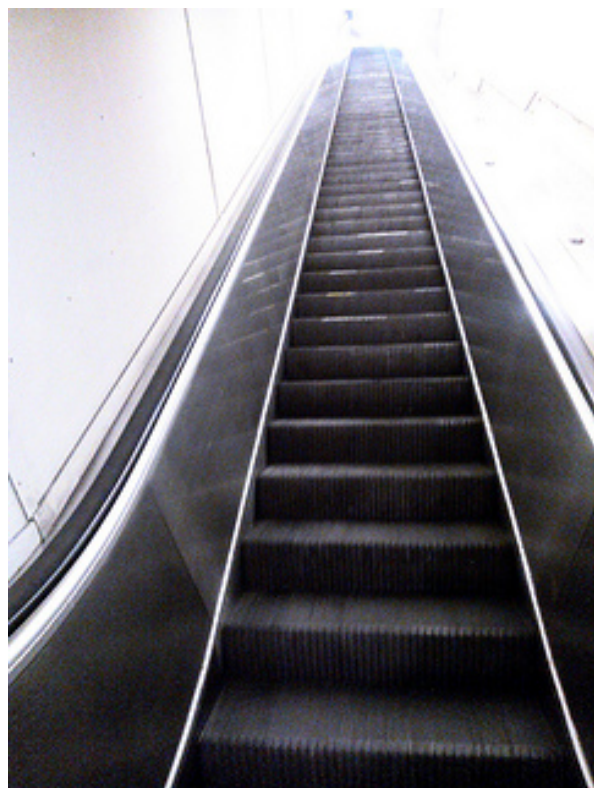
دنیاهای ناشناخته بروید و یا در تاریکی ها غرق بشوید. جنبه طنز ماجرا می تواند بالا رفتن به سمت پیشرفت در مدارج مختلف دنیوی با استفاده از پارتی پله برقی و عدم مصرف انرژی باشد! راحت و درجا می ایستید و پله ها خودشان تو را پیشرفت می دهند! (تصویر چهار)



تصویر ۲۱

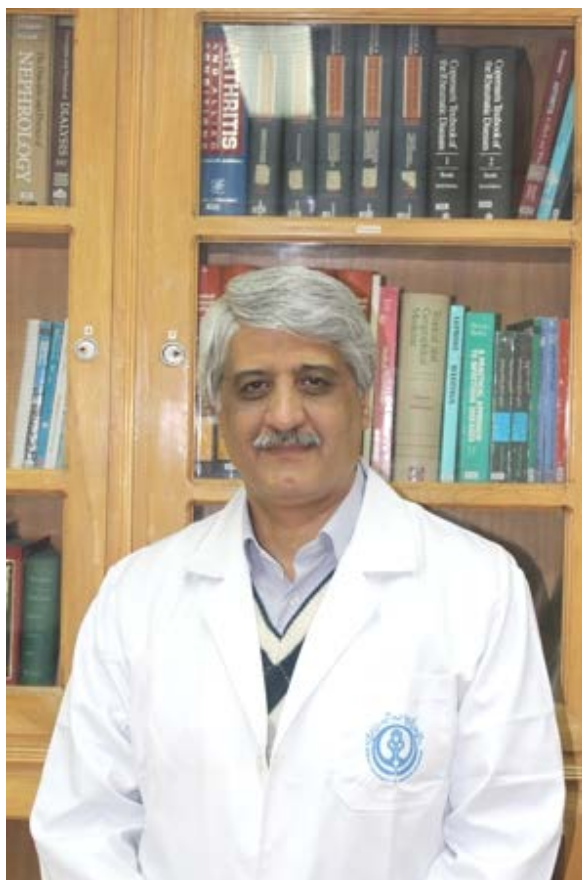


تصویر ۲۰



تصویر ۲۲

شعرهای نجیب



ویژه نامه ی شعر : دکتر رئیس جلالی

تعریف تو می خواهد/ این زندگی/ این بودن بی تپش/ این بی
انتظارگی

دکتر کاووس رئیس جلالی (تولد : ۶ مرداد ۱۳۳۶) فوق
تخصص نفرولوژی و دانشیار عضو هیئت علمی دانشگاه علوم
پزشکی شیراز و پایه گذار موزه تاریخ پزشکی در دانشکده
پزشکی شیراز است. وی از ۱۶ سالگی شروع به سرودن شعر
کرده و از آن زمان تا کنون اشعارش در بسیاری از نشریات و
روزنامه ها به چاپ رسیده است. اشعار دکتر رئیس جلالی به
گفته ی استاد صدرا ذوالریاستین خوانندگان فراوانی در صفحات
ادبی نشریات دارد بلکه در وبلاگ ها و دنیای مجازی نیز
طرفداران فراوانی دارد. استاد امین فقیری با نگاهی به اشعار
دکتر رئیس جلالی نوشته است که " گرچه تاکنون پزشکان
زیادی در زمینه شعر و داستان طبع آزمایی کرده اند اما دکتر
علی رئیس جلالی سبکی مدرن دارد. اشعار او آنقدر پیچیده و
خارج از ذهن نیست که بتوان به آنها لقب پسامدرن داد. "
خواندن اشعار دکتر رئیس جلالی ما را به وادی داستان سرایی و
تخیل می برد. شرحی شیرین از آنچه که می بیند و احساس می
کند. اشعار دکتر رئیس جلالی همچون پرده های روایت گونه ی
یک فیلم سینمایی ما را به دیدن مناظری می برد که خودش
دیده و با " برداشتی آزاد " آنرا برایمان دوباره تعریف می کند. این
برداشت های شخصی ترکیب نگاهی نافذ به دنیای اطراف است
که با چاشنی احساسات ملایم ترکیب شده است. نمونه ی چنین
تصورپردازی کلامی را می توان در شعری که به استاد دکتر
اکبر رجایی تقدیم نموده اند خواند:

یادگار روزگار من / یادگار روزگار من / تکه پاره های

خاطرات/ جداجدا/ در گریز دائمی/ ز سرزمین یاد/ در حریم ذهن
منفعل/ جا به جا/ حکایت ابرو باد/ این روزها ی ملتهب/ یادواره ای
سمج/ می کشد سرک مدام/ از گذشته های دور/ چو صید کی
عجول و بیقرار/ خسته از گریز/ در جستجوی دام و تور/ به شکل
یادگار روزگار...

پنج شنبه صلوٰه نظری / خبر/ آغاز یک سفر/ شروع/ بازارچه ای عزیز
و باوقار/ شاد و بی حصار/ بوی گوشت وادویه/ بوی سیب و گوجه
و خیار/ بوی سنگ و کباب/ ریحان و ترپیا/ سماق و سیر/
بیدمشک و نسترن/ نان قندی و گلاب/ سرکه و/ ترشی

موسیر/ در سایه سار مهربان یک درخت پیر/ جشنواره ای از ترانه
وصدا/ از طرّقه و قناری و هزار.../ این پرندگان خوش نشین/
در قفس های آینه دار/ گذشتن از کوچه ی ابراهیم- زاده ی امام/
با فراغ با ل و تخته گاز/ رسیدن به شاهچراغ/ شنیدن/ اذان/ وضو
و خواندن نماز/ فقط ده دقیقه ی تمام/ ادامه ی سفر/
مسجد بزرگ نو/ کوچه های هفت پیچ/ صبور و تنگ/ طاق های
مضطرب/ شمعدانی های منتظر کنار پنجره/ نسترن های
شاد و شنگ/ هوای گرم/ میروم بی تا مل و درنگ/ می رسم به
انتهای راه/ چهارراه زند/ کندوی عاشقان/ فیلم و ساندویچ/ جیب
بری گاه به گاه/ از بلند گو های پیر/ خش/ خش ترانه ها/ بوی
ژامبون و سوسیس/ بوی مرغ و تود لی/ بوی کتلت بوی خوب
لوبیا/ بوی کوفته قلقلی/ بوی تخمه ژابونی/ بامیه بی زولبیا/ آب
زرشک آب پرتقال/ بوی چربی بوی نای/ بوی تند و تیز از جرز
دیوار/ بی خیال/ دوان دوان بدو بدو/ عقب عقب جلو جلو/
صف سینما/ پنج شنبه ظهر/ ساعت دو.

. چندی پیش کتاب " حواس پرتی های نجیب " که گزیده ای از
مجموعه ی اشعار ایشان در فاصله ی سال های ۸۴ تا ۹۲ بود،
نیز توسط نشر میرماه در تهران به چاپ رسید. در ادامه نگاهی به
مجموعه ی اشعار دکتر رئیس جلالی که در وبلاگ مجله ی
پزشکی و هنر به چاپ رسیده است می اندازیم:



همراه خواب من

شب های دور

همراه خواب من:

یک بام کاهگلی

یک آسمان پر تپش

ستاره زار بی انتها

امشب

شاهدان بی خوابی منند: یک قاب پنجره

یک آسمان مختصر

با قحطی ستاره ها.

رئیس جلالی-دی ۹۱

سه تابلو

--

بر زمینه آبی و سفید

در آرامشی غریب

دریا

غلت می زند

بی هیچ شتابی

در قیلوله ای بی تپش

با ذهنی پاک پاک

بی هیچ نقشی از موج های بازیگوش

در خوابی ژرف

بدون ردپایی از رویا.

بر زمینه قهوه ای انزوایی بی زمان

چاهی صبور

بر سینه بیابانی به وسعت انتظار

خاطرات خوش گذشته را

خاطرات خیس

از قنات قدیمی مهربان

از چاه های مجاور یکدل

را

با دلو پر اشتیاق

مرور می کند.

کنار پرچین بدون تیغ

با گل های صورتی و بنفش

در سایه سار سخاوت

بلوط هزار پرنده

کودکان شاد

در حلقه ای به رنگ زندگی

رقصان

ترانه های مست

ترانه هایی از جنس رنگین کمان

بر بوم آسمان پرتاب می کنند:

ما آب چاه می خوریم

دریا حسادت می کند*

*در کنار جاده روی گلگیر کامیونی در حال استراحت نوشته

شده بود:

من اب چاه می خورم دریا حسادت می کند

بازیگوش همیشگی

--

حس مبهم تعلق

غلت می زنی

چه نرم

نگاه می شود گناه

در دگردیسی ات

ای واژه ای

رند بی قرار

من :

تعلیقی لحظه های گرم

لحظه های بی غبار

وامانده ی معلق

میان

زمین و ماه

در خلسه ای بی نشان

در خلسه ای بی حصار.

رئیس جلالی-آذر ۹۱

گل های چله نشین

— —

گل هایت اگرچه چله نشینند
به گلخانه ات
به ناگزیر
رویایشان سیراب آسمان آبی ند
آبی سیر سیر.
این تبعیدیان بی قرار
درحسرت باغچه های منتظر
تک تک ریشه می دهند
در ذهن های بی حصار.
این واژگان سبز
پرند پرند پرواز می شوند
برقامت بلند سروناز
شکوفه شکوفه غنچه می دهند
باز می شوند.
رئیس جلالی-دی ماه ۹۱



دکتر پرویز دبیری (۱۳۰۰ش - ۱۳۹۱ ش)

تقدیم به زنده یاد استاد دکتر پرویز دبیری مرد علم و ادب

ناشناس همیشه سبز

در کوچه باغ های ذهن تو

ای ناشناس سبز

چه می گذشت

که

ات باغ شاه نامه در

در ضیافت نقش و شعر

حماسه در کنار غزل

.می نشست تنگ

انسان همیشه سبز

موجود مجهول همیشگی

حکایت می کنی چو نی

با وقار جلوه می کنی

من

نواي جادوئي آن فلوت با

چه خوش سحر می شوم

.چون بهار سبزی شوم

دوباره گم می شوم چوابر

در آسمان آبی نیمه ی جهان

کا شی می شوم چه لا جور د

برتن مناره اذان

جاری می شوم چو زنده رود

در برگ برگ کتاب تو

.کتاب عشق اصفهان

رقص می گیرد مرا

چون باد

برادر وار - برابر وار

می روم تا اوج

می روم تا نا کجا

چون یاد

. می شوم آزاد

زنده یاد سبز

زنده باد نامت

روح پاک

.روانت شاد

رئیس جلالی - بهمن ۹۱

:توضیحات

اشاره به کتاب نفیس شاه نامه تهیه شده توسط استاد : باغ شاه نامه
دبیری

اشاره به ترجمه ی کتاب انسان موجودنا :موجود مجهول همیشگی
شناخته آکسیس کارل توسط استاد دبیری

اشاره به فلوت سحرآمیز از آثار موزارت-زندگی :نوای جادوئی فلوت
موزارت از ترجمه های استاد دبیری

اشاره به یکی از تا لیفات استاد دبیری :اصفهان

اشاره به سمفونی نهم بتهوون-زندگی بتهوون :برادری-برابری
از ترجمه های استاد دبیری

نقش پرنده ای آوازخوان.

این دختر زلال

در ذهن جاری رود پرشتاب

با ساق های شادویی قرار

موج می کارد چه بی خیال

با دستان چون بهار

نقش می بافد

از جنگل و پرنده و قله ها

از گل ها و سبزه زار.

رئیس جلالی - بهمن ۹۱

*توضیحات:

چننه:عنوان قصه ای از پرویز کلانتری

سال های تاریخ و جغرافیا:نقاشی های کتاب های درسی سال

های چهل / پرویز کلانتری

تهمینه:شخصیت اصلی قصه ی چننه

تقدیم به پرویز کلانتری و پرنده چننه نشین او

پرنده چننه نشین

--

هم رویای دیرسال

من هم

پرنده ی تو را

درکشا کش لحظه های ملتهب

دنبال کرده ام

چون

سایه ی یک خیال.

اینک

حجم روشن این آوازخوان پرخروش

با کلک شوخ و جادوئیت

نقشینه شد بر این ذهن منتظر

نقش

یک آوازخوان چننه پوش.

ای پیک خوش خبر

صورتگر سال های کودکی

سال های تاریخ و جغرافیا

در سرزمین سفر

تهمینه را چه خوش آفریدی

این گونه با وقار

تا این دختر بهار

بر چننه ای ازجنس رنگین کمان

نقشی زند به یادگار

بادا

— —

بادا

از ترا نه ی سبزت

ای

مرغ خوش ادا

آبی شود

این سترون خاکستری

رنگین کما نی شود

این آ سمان مادری.

رویای هر شبم

پرواز

فواره ا ی جوان

بی دل شوره ی سقوط

ازدستان آسمان

تا اوج هر کجا

چون

پرنده ای آزاد

در دل:

تپش تپش فر یا د

در ذهن:

خروش هر چه بادا باد.

رئیس جلالی — اسفند 91

نقشی از یک سفر*

— —

گوشه ای دنج دم کرده

تکه ای

عصرتابستان

خوابی می لمد آرام

روبا ئی می رسد لرزان :

پهنه ی شبی

سیاه آذین

نقطه های روشنی بالا

نقطه های روشنی پائین

چون ستارگان

کم رمق کم خون

درمداری شکسته

نا موزون.

جاده ای نقره ای

چون مار

می خزد با درنگ

بیچا پیچ

برتنش غباروخار

می کند سفر

به سوی هیچ.

اتوبوسی عرق کنان نالان

می سپارد راه

با نفس تنگی

ده ساله ای به پنجره نزدیک

می شمارد لحظه ها را

به دلتنگی.

قهوه خا نه ای

کنار نهر

خمیازه می کشد تنها

خسته از

کوه و دره و گذرگاه ها

درخیا لش نفس می کشد

درشهر.

ده ساله ی خیال آلود

گمشده درین احوال

درتحریر

ازین شب تاریک

می تراود ترس

از توهمی سیال.

کوه و دره کنارهم

دررقابتی هم سنگ

مرگ وزندگی همراه

دررفاقتی یک رنگ

می نوازند

زخمه ای جانکاه

می سرایند

ترانه ای دل تنگ.

رئیس جلالی-اردیبهشت ۹۲

*سفری درگذشته ای دور- جاده ی قدیمی کازرون-شیراز(کتل

پیرزن- کتل دختر)

ملودی های خاکستری

— —

خیابان شهر

بدون ذهن

منگ ازدهام

در هجوم حادثه

لگدمال پرسه ی مدام.

گنجشک های مضطرب

یا کریم های لال

زخمی صدا

زندانی لحظه های خشک

لحظه های پرمال

گل های نیمه رنگ - بدون برگ

درفکرباغچه و حیاط

گلدان های رنگ رنگ

در حسرت گل های زرورق به تن

گل های بی حضور خار

دردست کودکان کار.

آوازه خوان دوره گرد

سفیر سفره ی گرسنگی

بی وقفه سرفه می کند

خاکستر ترانه هائی از قدیم

ترانه های آشنا بدون سبزی همیشگی.

درخشکسالی هنر

در قحط سالی حواس

چشم باز می کنند

نت های بی رمق

در مرز پرگهر

در حضور پر شمار مشتری

قد می کشند

بدون هارمونی

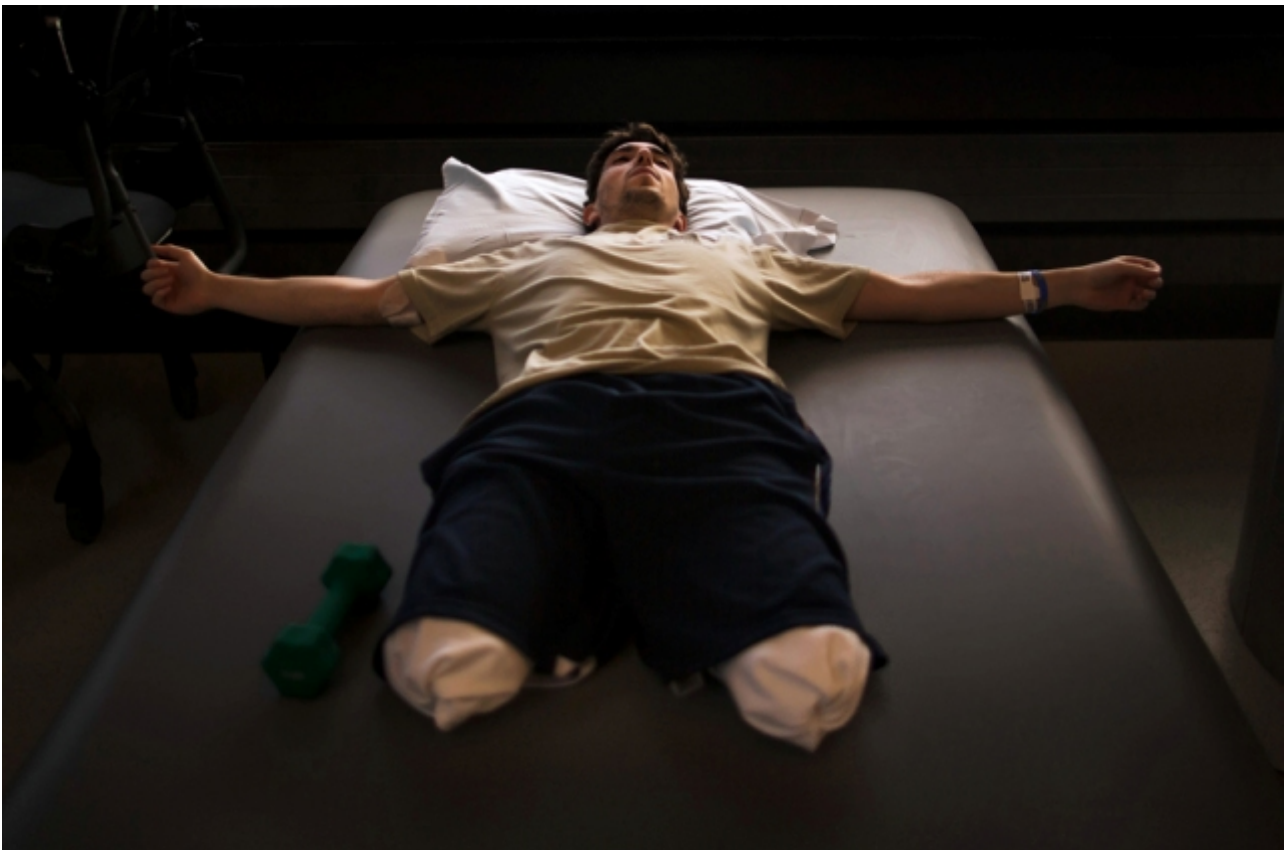
ملودی های خاکستری.

رئیس جلالی - تیر ماه ۱۳۹۳

Pulitzer Prize winner in 2014



Pulitzer Prize of 2014 in Feature photography awarded to **Josh Haner** of *The New York Times* for his moving essay on a Boston Marathon bomb blast victim who lost most of both legs and now is painfully rebuilding his life. **Josh Haner** is Staff Photographer for *The New York Times*. After graduating from Stanford University with a B.S, he moved to New York as an Assistant Photo Editor and after 2 years moved to the *New York Times*. He lives in Brooklyn, New York.



Who take the first selfie: A physician?



The most famous Selfie at this time is Oscar selfie that twitted more than one million times[1]. By considering the important parts of accepted definition of selfies such as being self-portrait that maybe shared on social networking services [2], we don't know who invent the first selfie. With some leniency, we can remember Robert Cornelius who took photo from himself[3]. But taking photo from ourselves is not limited to modern era. Before the invention of photography, painting existed in the people's life[4].

By little more moderation, we can accept self-portraits as selfies in ancient time. There are many self-portraits from great painters that prove the existence of selfies in the past[5][6]! If we accept these portraits as a primitive version of selfies, a series of questions must be answered.

Who was the first selfie drawer?

Who was the first human being tried to show him on media?

The best way for finding answers to these questions is reviewing and reanalyzing cave paintings. Prehistoric human tried to increase his magic power in hunting by making these art pieces. Shamans, the magician of tribes, drew the animals' تصوير on the cave walls and ceilings; sang the magic songs for victory and in the time of war, injury and disease. These arts were also magic tools for treating diseases[7].

In conclusion, it seems that these prehistoric medical therapists, unwittingly made primitive form of selfies and share it with others on primitive social network, the walls! Although this idea is not proved yet, I think it is a good point for archeologists and other scientists to start!



[1] <http://variety.com/2014/film/news/oscars-ellen-degeneres-breaks-twitter-with-epic-group-selfie-1201124224>

[2] <http://en.wikipedia.org/wiki/Selfie>

[3] http://en.wikipedia.org/wiki/Robert_Cornelius

[4] <http://en.wikipedia.org/wiki/Self-portrait>

[5] <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC1838787/>

[6] <http://psycnet.apa.org/psycinfo/1992-22864-001>

[7] onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1525/maq.1995.9.4.02a00030/abstract